نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و سوم - شماره ۹۳۲ - دوشنبه بیستم آبان ۱۳۹۹ - ۱۰۰۰ تومان

بعد از سلب عضویت ٦ نفر از اعضا؛

تلاش برای بازسازی شورای شهر بوشهر

صفحه۲



آقای وزیر بهداشت! شما مقصران را به قیمت جان هموطنان تحمل می کنید

حمید آب آذر

صفحه۴

پایان دیپلماسی قلدرمابانه و تهدید آمیز ترامپ

دکتر عابدین عابدی زاده

صفحه ۴





آریاساسول از جانِ «نای‌بند» چه می‌خواهد؟

صفحه ۲

تولید مستند سازهای سنتی بوشهر

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: سازهای دستی و سنتی بوشهر قدمت بالایی دارند و مستندی با این موضوع برای معرفی بیشتر آنها در استان تولید می‌شود.

لیلا رحیمی در نشست با فعالان موسیقی استان بوشهر افزود: هدف از تهیه این مستند حمایت از هنر هنرمندان و صنعتگران فعال بوشهری در رشته ساخت سازهای سنتی است و پس از ساخت از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش می‌شود.

وی عنوان کرد: ساز دمام معروف ترین نوع این سازها است که در حال حاضر یکی از تولیدات پرفروش صنایع دستی به ویژه در ماه های محرم و صفر به شمار می‌رود.

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر افزود: مواد اولیه تولید دمام در بوشهر وجود دارد و همه مراحل و فرآیند ساخت این ساز در بوشهر انجام می‌شود.



جان پدرها و مادرهای زیادی، آتش زده شد

دکتر عبدالله آورا: پدری افغان منتظر فرزند دانشجویش است. فرزندش به تماس‌هایش جواب نمی دهد، پس از حدود ۱۴۰ بار تماس ناموفق ، پیام میدهد " جان پدر کجاستی".

افغانستان در جهنم جهل طالبان و داعش میسوزد و دانشجویان دانشگاه کابل بوسیله جهالت و نادانی و تعصباتی که نام دین را نیز یدک می‌کشند، به خاک و خون کشیده شدند و " جان پدرها و مادرهای زیادی" آتش زده شد.

خدایا کشورهای ما را از شر نادانی، کم فکری، تعصب، خشک مغزی و بی خردی و افکار طالبانی و خشونت کور مصون بدارد.

داریوش پوربهی رئیس جدید شورای شهر بوشهر شد



داریوش پوربهی به عنوان رئیس شورای شهر بوشهر انتخاب شد.

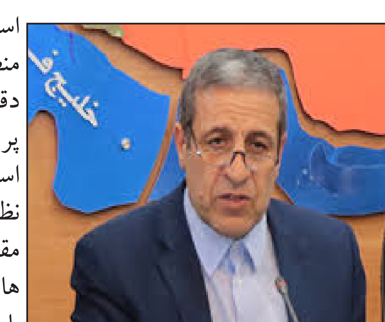
به گزارش ایسنا، در این نشست که محل فرمانداری برگزار شد، ترکیب جدید شورای شهر بوشهر مشخص شد که "داریوش پوربهی" با ۴ رای به عنوان رئیس جدید این شورا انتخاب شد.

همچنین در این نشست "مهرزاد آسایش" با ۵ رای به عنوان نائب رئیس و "حیدر رفاهی" به عنوان منشی این شورا انتخاب گردید.

به دنبال صدور قرار نظارت قضایی برای ۶ عضو شورای اسلامی شهر بوشهر، از اعضای علی‌البدل برای حضور در این شورا دعوت شده است تا بتواند با مشروعیت و کسب حد نصاب به فعالیت خود ادامه دهد.

استاندار بوشهر:

قرارگاه عملیاتی- نظارتی ستاد مقابله با کرونا تشکیل می‌شود



استاندار بوشهر گفت: به منظور نظارت و بازرسی دقیق از وضعیت رعایت پروتکل های بهداشتی در استان، قرارگاه عملیاتی، نظارتی و بازرسی ستاد مقابله با کرونا در دستگاه های اجرایی استان بوشهر با همکاری فرمانداران و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تشکیل می شود.

به گزارش ایسنا، عبدالکریم گراوند در نشست ستاد استانی مقابله با کرونا استان بوشهر با قدردانی از تلاش‌های مجموعه نیروی انتظامی در مقابله با کرونا اظهار کرد: اگر در استان همکاری و همراهی مردم را شاهد نبودیم وضعیت به مراتب بدتری از نظر ابتلا و فوتی ناشی از شیوع کرونا در استان داشتیم.

وی بیان کرد: با همکاری مردم و رعایت پروتکل های بهداشتی می توانیم از بحران کرونا عبور کنیم، لذا گذر از این شرایط نیازمندی همکاری مردم است و انتظار داریم فرمانداران هم با جدیت مصوبات ستاد استانی کرونا را پیگیری و اجرا کنند.

در این نشست پس از بحث و بررسی و پیشنهادات اعضا، موارد زیر به عنوان مصوبه به تصویب رسید.

- به منظور نظارت و بازرسی دقیق از وضعیت رعایت پروتکل های بهداشتی در استان، قرارگاه عملیاتی، نظارتی و بازرسی ستاد مقابله با کرونا در دستگاه های اجرایی استان بوشهر با همکاری فرمانداران و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تشکیل شود.
- پیشنهاد ممنوعیت تردد به استان به مدت یک ماه به ستاد ملی مقابله با کرونا ارسال شود.
- ضمن ممنوعیت نصب چادر در سواحل استان، شهرداران موظف به پیگیری و حسن اجرای این مصوبه هستند.
- با توجه به مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا در مورد تعطیلی مشاغل گروه های ۲، ۳ و ۴ بعد از ساعت ۱۸، این مصوبه در شهرهای بوشهر و برازجان عملیاتی شود و مشاغل گروه های فوق پس از ساعت ۱۸ اجازه فعالیت ندارند.
- رستوران های بوشهر فقط مجاز به فعالیت به صورت بیرون بر هستند و تالارهای پذیرایی در استان هم از ۲۰ آبان ماه به مدت ۲ هفته دیگر تعطیل خواهند بود.
- بانک ها موظف به ارائه خدمات غیرحضوری الکترونیکی به مشتریان هستند.
- شهربازی‌ها و پارک های بادی در نقاط مختلف هم به مدت ۲ هفته از ۲۰ آبان ماه تعطیل خواهند بود.
- گروه پیام آوران سلامت با مدیریت دفتر امور اجتماعی استانداری و همکاری هلال احمر و سازمان های مردم نهاد به منظور تشویق مردم به رعایت پروتکل های بهداشتی تشکیل شود.

آریاساسول از جانِ «نای‌بند» چه می‌خواهد؟

ایسنا - بوشهر نای‌بند امروز حال و روز خوبی ندارد. درختان انجیر معابد آن از بین رفته، درخت کهور پاکستانی به عنوان گونه مهاجم به شکل فجیعی در آن ریشه دوانده، گردشگری گسترده و غیر مسئولانه چهره آن را مخدوش ساخته و فاجعه آمیزتر از همه‌ی این موارد، هتل‌سازی (بخوانید شهرک‌سازی) در ورودی این منطقه که سرآغازی برای از بین رفتن شاخص‌های این پارک بی‌همتا خواهد بود.

پارک ملی نای‌بند، نخستین پارک ملی دریایی ساحلی ایران است که با تنوع اکوسیستمی بالا و منحصر به فرد در دریا و خشکی؛ شامل جنگل‌های حرا، بستر علف‌های دریایی، آب‌سنگ های مرجانی، سواحل تخم‌گذاری لاک‌پشت‌های دریایی، زیستگاه پستانداران نظیر جبیر (نوعی آهو)، قوچ و کل و بز، هوبره، جیرفتی و انواع پرندگان شکاری -که هر کدام در نوع خود منحصر به فرد و کم‌نظیر هستند- در سواحل خلیج‌فارس (شهرستان‌های عسلویه و پارسیان) واقع شده است.

امّا متاسفانه با آغاز توسعه صنعتی در عسلویه و قرار گرفتن تأسیسات منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در مجاورت آن، آسیب‌هایی به محیط طبیعی پارک ملی و منطقه حفاظت شده نای‌بند وارد شده است.

نای‌بند امروز حال و روز خوبی ندارد. درختان انجیر معابد آن از بین رفته، درخت کهور پاکستانی به عنوان گونه مهاجم به شکل فجیعی در آن ریشه دوانده، گردشگری گسترده و غیر مسئولانه چهره آن را مخدوش ساخته و فاجعه آمیزتر از همه‌ی این موارد، هتل‌سازی (بخوانید شهرک‌سازی) در ورودی این منطقه که سرآغازی برای از بین رفتن شاخص‌های این پارک بی‌همتا خواهد بود.

در این نوشتار با نگاهی اجمالی به فلسفه ثبت ملی، به سوابق پارک ملی نای‌بند و آن چه در این پارک در حال رخ دادن است پرداخته می‌شود.

فلسفه ثبت ملّی

اصولاً از دید حقوق دانان تا فعل یا عملی ثبت نشود، همیشه در معرض از بین رفتن، به فراموشی سپردن و نابودی است. بنابراین یکی از دلایل ثبت ملی، این است که بر همگان معلوم شود حاکمیت یک کشور نسبت به حفظ و نگهداری آن اهمیت نشان داده و بر خود واجب می‌داند از آن حمایت و حفاظت کند.

در واقع احداث و حفاظت از مناطق به هیچ وجه به معنای رها کردن آنها به حال خود نیست بلکه برعکس برای اعمال مدیریتی مستمر و هدفمند است تا این مناطق بتوانند به اهداف خود دست یابند. در این راستا سازمان حفاظت محیط زیست برای حفظ و نگهداری از تنوع زیستی اکوسیستم‌ها و ذخایر توارث گیاهی و جانوری کشور نمونه‌هایی از غنی‌ترین مناطق طبیعی کشور را در چهار رده شامل پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و مناطق حفاظت شده به عنوان الگو انتخاب و در محدوده وظایف قانونی خود اداره می کند.

این مناطق بر اساس ضوابط پذیرفته شده در بین همه ملل جهان از جمله با ارزش‌ترین میراث‌های طبیعی کشور محسوب می‌شوند.

سابقه نای‌بند

بخش خشکی این منطقه با عنوان منطقه حفاظت شده نای‌بند از سال ۱۳۵۷ تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست قرار داشته است. این منطقه در سال ۱۳۸۲ به همراه منطقه حفاظت شده حرای نای‌بند، خلیج نای‌بند و قسمتی از خلیج‌فارس در سال ۱۳۸۲ به عنوان اولین پارک ملی ساحلی-دریایی ایران تعیین شد.

بعد از این که این پارک از سال ۱۳۸۲ به عنوان اولین پارک ملی ساحلی- دریایی ایران تحت مدیریت اداره کل حفاظت محیط زیست قرار گرفت، اواخر دهه ۸۰ اقداماتی جهت حفاظت و نگه داری از این منطقه با هدف ارائه و پیشنهاد راهکارهای مناسب جهت دستیابی به توسعه پایدار؛ طرح " گفتگو و توسعه: ایجاد همسویی میان گروه‌های ذی‌نفع" با همکاری مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، مؤسسه توسعه پایدار و محیط زیست، انستیتو مهندسی نفت دانشگاه تهران، بنیاد زمین زنده، کمیسیون اروپا و تشکل جوامع بومی منطقه عسلویه آغاز شد.

متعاقب این طرح، در فروردین سال ۱۳۹۴ کارگاهی تحت عنوان "مدیریت مشارکتی حفاظت پارک ملی ساحلی- دریایی نای‌بند؛ پهنه‌بندی مشارکتی" در شهر عسلویه با حضور نقش‌آفرینان اصلی منطقه برگزار شد که در نهایت منجر به پهنه‌بندی مشارکتی اوّلیه پارک ملی و تدوین پیش‌نویس برنامه اقدام هر یک از زون‌ها شد.

زون‌ها به ترتیب شامل: امن، حفاظت شده، بازسازی، گردشگری، سایر استفاده‌ها و زون تعیین نشده بود که با شناسایی عوامل تهدید کننده و ذی‌نفعان مؤثر بر عوامل تهدید کننده، همزمان برنامه اقدام پیشنهادی برای هر کدام از نواحی را مشخص کرده بود. اما تغییر و تحولات امروز پارک ملی نای‌بند نشان می‌دهد طرح فوق جایی در معادلات متولیان پارک نای‌بند ندارد.

از نکات جالب توجه که در طرح مدیریت پارک ملی نای‌بند به چشم می‌خورد، این که توسعه روستاها و ساخت و ساز در روستاهای حاشیه پارک به عنوان یکی از عوامل تهدید کننده ذکر شده و بر ضرورت برخورد فوری و قانونی با متخلفان تأکید شده است.

اگر چه اطلاعی از تأیید یا عدم تأیید طرح



فوق از سوی سازمان محیط زیست و نهادهای مربوطه در دست نیست، اما آنچه آشکار است این که خروجی کارگاه و طرح فوق‌الذکر نتیجه همفکری، هم‌اندیشی و اتفاق نظر همه‌ی نهادهای ذی‌نفع شرکت‌کننده در کارگاه زون‌بندی بوده است.

در واقع اگر توسعه روستاها یکی از عوامل تهدید کننده محسوب می‌شود بدون شک هتل‌سازی شرکت آریاساسول تهدید جدی‌تری برای پارک ملی نای‌بند خواهد بود.

اقدامات و چالش‌های آریا ساسول

شرکت ایرانی-آفریقایی آریاساسول در اقدامی غیر متعارف در حال ساخت یک مجموعه هتل در محدوده پارک ملی دریایی نایبند است. هتلی که وسعت آن بیشتر به شهرک شباهت دارد و بخش بزرگی از دماغه را اشغال کرده است. اگر نیم نگاهی به سایت شرکت آریا ساسول بیندازیم، می‌بینیم که در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی و حفاظت از محیط زیست منطقه، اقداماتی نظیر اهدای دستگاه ساحل‌روب و حمایت از آهوهای (جبیر) پارک ملی نای‌بند را نیز انجام می‌دهد. فعالیت‌هایی که در نوع خود قابل تحسین است اما آیا این اقدامات با ساخت هتل در محدوده پارک ملی دریایی نای‌بند در تناقض نیست؟ نمی توان از یک سو شعار حفاظت از محیط زیست داد



و از سوی دیگر با یک سری اقدامات نامتعارف، باعث تخریب محیط زیست شد و در اکوسیستم تغییر ایجاد کرد.

ساخت هتل در محدوده پارک ملی نای‌بند این شائبه را به وجود می‌آورد که اقدامات قبلی شرکت آریا ساسول در راستای حمایت از حیات وحش نبوده بلکه تمامی آن اقدامات برای هموار کردن مسیر اخذ مجوز احداث هتل بوده است.

مسئولان آریا ساسول تمامی اقدامات خود را با هماهنگی و بر اساس مجوزهای اخذ شده از مبادی ذی ربط می‌دانند اما این توجیه برای مردمی که سال‌ها حافظ این میراث گرانبها بوده و هستند غیرقابل پذیرش بوده و همزمان کوتاهی نهادهای ذی ربط در اعطای مجوز ساخت هتل را نکوهش می‌کنند. در حقیقت عکس‌العمل متناقض مسئولین در برخورد با تخلفات منجر به بی‌اعتمادی بیشتر مردم و دوستداران منطقه به مسئولان که باید حافظ اصلی محیط زیست باشند می‌شود.

اهمیت مشارکت جوامع بومی و محلی در تصمیم‌گیری

در بخشی از گزارش اولیه طرح "پهنه‌بندی مشارکتی پارک ملی نای‌بند" آمده است: «از آن جا که عموماً در محدوده مناطق تحت حفاظت، ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان مختلفی از جمله جامعه بومی و محلی و گاه صنایع و ارگان‌های دولتی و خصوصی حضور دارند، تهیه و اجرای طرح‌های مدیریت مناطق حفاظت شده بدون مشارکت ذی‌نفعان امکان‌پذیر نخواهد بود.»

در بخش دیگری از گزارش نیز با اشاره به اهمیت به‌کارگیری روش‌های نوین مدیریت مناطق تحت حفاظت می‌گوید: «مشارکت مردمی با وجود دشواری‌هایی که فرا روی خود دارد امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در آینده نیز میزان وزن آن در طرح‌ریزی و همین طور مدیریت عملی رو به افزایش خواهد گذاشت. مشارکت جوامع بومی و محلی به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر و دیگر گروه‌های ذی‌نفع در فرآیند تصمیم سازی در منطقه یکی از اهداف ویژه این طرح بوده است. به تعبیری جامع تر و براساس سیاست‌های کلی نظام، هدف تنها توسعه‌ی منطقه‌ای، رشد اقتصادی و توسعه صنعتی نیست بلکه تأمین منافع اجتماعی و حفظ محیط زیست نیز به همان اندازه حائز اهمیت است.»

کوتاه سخن؛ در ابتدای نوشتار اهمیت حاکمیت یک کشور نسبت به حفظ و نگه‌داری از مناطق و آثاری که از ویژگی خاصی برخوردار هستند یکی از دلایل ثبت ملی ذکر گردید. اما اتفاقات حادث شده در دو سال اخیر نشان می دهد حساسیت چندانی برای حفاظت از تنها پارک ملی دریایی ایران نیست. بنابراین وقتی حساسیتی در حفاظت از چنین مکان‌هایی وجود ندارد دیگر چه فرقی می‌کند عنوان ملی به خود یدک بکشد یا محلی یا هر عنوان دیگری؟!

به راستی اصل پنجاهم قانون اساسی کجای کار مسئولان و نهادهای نظارتی قرار دارد؟!

بعد از سلب عضویت ۶ نفر از اعضا؛

تلاش برای بازسازی شورای شهر بوشهر



مدیر روابط عمومی شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: با برگزاری آیین تحلیف اعضای علی البدل و انتخاب هیات رئیسه در فرمانداری ترکیب جدید شورای اسلامی شهر بوشهر مشخص شد.

وحید پورجماد درگفت و گو با ایرنا افزود: در این نشست داریوش پوربهی، مهرزاد آسایش و حیدر رفاهی به ترتیب به عنوان رئیس، نایب رئیس و منشی انتخاب شدند.

بعد از سلب عضویت ۶ نفر از اعضای اصلی پنجمین دوره شورای ۹ نفره شهر بوشهر سه عضو علی البدل به این شورا اضافه شدند.

داریوش پوربهی، حیدر رفاهی و رباب عبیدی سه عضو علی البدل اضافه شده به شورای شهر بوشهر هستند.

همچنین علی پولادی ریشهری و زهرا رضایی دو عضو علی البدل دیگر شورای شهر بوشهر هستند که تاکنون وضعیت آنها برای حضور در این شورا نامعلوم است.

با توجه به جمعیت بالای ۲۰۰ هزار نفری بوشهر شورای اسلامی این شهر طبق قانون دارای ۹ نفر عضو اصلی و ۶ نفر عضو علی‌البدل است.

از ۲۴ شهریورماه امسال با شروع بازداشت اعضای شورای شهر بوشهر درارتباط با یک پرونده مالی ادامه فعالیت اکثریت اعضای آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و با حکم قضایی، ۶ عضو اصلی شورای شهر بوشهر به منظور تحقیقات در اختیار اداره کل اطلاعات این استان قرار گرفتند که تمامی آنها با قرار وثیقه آزاد شدند. ۱۹ شهریور ماه آخرین جلسه شورای شهر بود که در همان جلسه مساله معرفی حسن صالحیان به عنوان شهردار بوشهر مطرح شد و با امضای حکم شهردار توسط وزیرکشور هرچند عملا امور اجرایی شهرداری از بلاتکلیفی خارج شد اما بسیاری از امور شهرداری نیازمند مصوبه شورا است که بدلیل عدم فعالیت شورا بسیاری از امور مردم و شهرداری بر زمین مانده بود. با تعیین تکلیف شدن وضعیت شورای اسلامی شهر بوشهرانتظار است روند اجرای برنامه های عمرانی مرکز این استان شتاب گیرد.

شکایت محیط زیست از عاملان آلودگی هوای بیدخون

ایسنا/بوشهر در پی وقوع آلودگی شدید هوا در حوالی شهر بیدخون در شهرستان عسلویه و ایجاد آلودگی هوا ناشی از سوزاندن پسماندها، اداره حفاظت محیط زیست شهرستان عسلویه با شناسایی منابع آلودگی، علیه عاملین آلودگی هوا شکایت کرد.

فرهاد قلی نژاد؛ مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر در این خصوص گفت: هرگونه ایجاد آلودگی هوا برخلاف قوانین و مقررات محیط زیست به ویژه قانون هوای پاک است بنابراین سازمان ها، ارگان ها و واحدهای صنعتی ملزم هستند از هرگونه آلودگی هوا جلوگیری نمایند و سازمان حفاظت محیط زیست در صورت هر گونه آلودگی هوا، پیگیری حقوقی را به عمل خواهد آورد.

شایان ذکر است درجهت پیشگیری از آتش سوزی بقایای فضای سبز هماهنگی‌های لازم با منطقه ویژه اقتصادی پارس به عمل آمده است.

در همین زمینه مصطفی موذنی؛ رییس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان عسلویه نیز گفت: در پی بروز حادثه آتش سوزی در محل انبار ضایعات فضای سبز و ایجاد آلودگی شدید و اعتراضات مردمی در شهرستان از ابتدای این رخداد پیگیری های لازم جهت مرتفع شدن موضوع انجام گردید و گزارش لحظه به لحظه فرایند کار به فرمانداری شهرستان(معاونین محترم) اعلام گردید.

این موضوع که قبلا نیز سابقه داشته با پیگیری های به عمل آمده از طرف این اداره در سالهای قبل و در قالب کارگروه مدیریت پسماند، سازمان منطقه ویژه ملزم به مدیریت ضایعات فضای سبز جهت جلوگیری از حوادث مشابه گردید که آن سازمان نسبت به تعیین سرمایه گذار جهت مدیریت ان محل و تولید کمپوست اقدام کرد. موذنی در پایان عنوان کرد: متاسفانه حادثه اخیر به هر دلیلی رخ داد و حجم بسیار زیادی از ضایعات فضای سبز دپو شده طعمه حریق گردید و شهرهای بیدخون و روستای بزباز تحت تاثیر قرار گرفت.

مدیرکل سیاسی استانداری بوشهر:

صنوف دراجرای محدودیت‌های کرونایی همکاری کنند



بوشهرایرنا: مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری بوشهر گفت: با توجه به تصمیم ستاد ملی کرونا در ارتباط با تعطیلی فعالیت برخی صنف‌ها از ساعت ۱۸ بعد از ظهر به مدت یک ماه، انتظار می‌رود همکاری لازم توسط بازار و اصناف در این زمینه انجام شود.

به گزارش ایرنا، خسرو دهقانی روز یکشنبه در نشست شورای اطلاع رسانی استان بوشهر افزود: براین اساس همه واحدهای صنفی بجز مراکز ضروری شامل درمانی، امداد ونجات، آتش نشانی، آمبولانس‌ها، سرویس‌های عمومی مردم از جمله آب، برق، گاز و مخابرات و مراکز عرضه مواد غذایی از جمله فروشگاه‌های زنجیره‌ای تعطیل خواهند بود.

وی تاکید کرد: با توجه به بهبودی شرایط آب و هواییدر استان بوشهر انتظار می‌رود همه صنف‌ها با پیوستگی در فعالیت خود، با اجرای این طرح همکاری لازم را داشته باشند و اعمال محدودیت را جدی بگیرند و در قطع زنجیره بیماری همکاری کنند.

دهقانی اضافه کرد: ستاد ملی کرونا با توجه به خیز بیماری کرونا در کل دنیا



و کشور طرح‌های مختلفی از جمله محله محور کردن مبارزه با کرونا با همکاری بسیج مستضعفان را به اجرا می‌گذارد.

دهقانی درباره نقش رسانه‌ها در این بحران گفت: تهیه خبر، عکس و فیلم در شرایط عادی با زمان بحران بسیار متفاوت است و رسانه‌ها در این شرایط وظیفه‌ای مهم برعهده دارند و از اعضای اساسی مدیریت بحران به شمار می‌روند.

وی ادامه داد: در زمانی که حادثه‌ای رخ می‌دهد اگر مدیران و کسانی که باید پاسخگو و شفاف سازی لازم را در بهترین زمان ممکن داشته باشند و با توجه به گسترش فضای رسانه‌ای مجازی این اقدام باعث می‌شود فضا در اختیار کسانی که در این زمینه کار حرفه‌ای انجام نداده‌اند، قرار نگیرد.

دهقانی اضافه کرد: در این شرایط که انقلاب ارتباطات اتفاق افتاده محدودیت خبر امکان پذیر نیست اما می‌توان به شکل حرفه‌ای خبر را در زمان خود و بموقع و شفاف اطلاع رسانی و از بروز شایعه‌ها پیشگیری کرد.

وی با تاکید بر ضرورت اعمال مدیریت احساسات گفت: اصحاب رسانه باید مجهز به مدیریت احساسات شوند و نداشتن این شیوه مدیریت ممکن است به برخی مسائل مانند ایجاد ترس، وحشت و نگرانی‌ها دامن بزند.

دهقانی اظهار کرد: روزنامه نگار علاوه بر اطلاع رسانی، وظیفه آگاهی بخشی و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در زمان بحران را برعهده دارد. در زمان حاضر در زمینه تبلیغات محیطی در شهرها کارهای خوبی صورت گرفته و جا دارد این تبلیغات گسترش یابد. در این شرایط حساس که بیشترین عامل شیوع بیماری بر اثر برگزاری تجمع‌ها رخ می‌دهد لازم نیست آئین تودیع و معارفه با حضور جمعیت زیاد برگزار شود.

جهان در انتظار آرامش نسبی بعد از چهار سال طوفان ترامپ

دکتر سجاد بهزادی



نتیجه انتخابات در آمریکا در حال روشن شدن است. اگرچه ارقام و آرایی که برای ترامپ به صندوق رای رفته است نشان دهنده یک تفکر چرکین ترامپی بر پیکر دمکراسی است و این تفکر دربستر جامعه آمریکا تداوم خواهد داشت اما به نظر می رسد به زودی جهان شاهد آرامش نسبی بعد از چهار سال طوفان ترامپ باشد.

بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که میراث ترامپ در آمریکا و حتی بخش هایی از جهان؛ ترک و حتی حفره ای عمیق بر پیکر دمکراسی بود. او در طول ۴ سالی که گذشت بارها به نهادهای دمکراسی تنه زد و قانون را تضعیف کرد. دمکراسی در سالهای ترامپ، نه آن دمکراسی بود که " الکسی توکویل" شیفته آن بود. رفتار آمریکا طی سالهای گذشته در برابر قانون و نهادهای دمکراسی مطیعانه نبود و حتی دیوان سالاری اش از آن انضباط ذاتی که دنیا می شناسد برخوردار نبود.

عادت و خلق و خوی ترامپ نشان داد که تنها نهادها و قوانین برای تاسیس و تقویت دمکراسی کافی نیستند بلکه آن گونه که "توکویل" تاکید داشت کردار، عواطف، باورها، جوهر و روح انسان ها هستند که به جوامع سیاسی و دمکراسی معنا می دهند.

ترامپ علیرغم سامان بخشی نسبی در معیشت طبقه ای از آمریکائیان، طبقه متوسط را به خاطر منافع شخصی خود اغوا کرد و آنها را نیز به اقتصاد وابسته کرد. ترامپ درک نمی کرد که طبقه متوسط در سراسر دنیا و آمریکا بیش از آن که تشنه نان و رفاه اقتصادی بیشتر باشد هم زمان در عطش آزادی و تقویت دمکراسی است. او "واگرایی اجتماعی" را جایگزین "هم گرایی اجتماعی" کرد و روز به روز از جامعه آمریکا و جهان بین الملل اعتماد زدایی می کرد. برای همین بود که محاسبات ترامپ فرو ریخت و علیرغم نتیجه نظرسنجی "سی ان ان" در حین رای گیری که نشان می داد بیشتر مردم آمریکا از وضعیت اقتصادی خود در دوران ترامپ راضی هستند، اما در انتخاب از او عبور کردند و بایدن را در مسیر پیروزی قرار دادند.

صف های طولانی انتخابات آمریکا در وضعیت کووید ۹، پیامی روشن به جهان مخابره کرد. این سرزمین دنبال تغییر است و نمی خواهد ترک دمکراسی خود را با ترامپ عمیق تر کند. در آمریکای ترامپ، اموال عمومی بیش از آن که توسط دمکراسی محافظت شود توسط حکومت نظامی و پلیس نگهبانی می شد که این امر برای دمکراسی مناسب نیست. وقتی مشارکت سیاسی در عرصه عمومی پایین بیاید، دولت ها پاسدار نهادهای واسط و قانون می شوند که این امر بسیار خطرناک است و مشارکت کم سابقه مردم آمریکا در انتخابات، به نوعی ستاندن این حق بود. ترامپ تاجر خوبی بود اما دمکراسی تنها تجارت و بهبود اقتصاد جامعه نیست. اگر شهروندان، حوزه عمومی و سیاست ورزی را ترک کنند و تنها به اقتصاد خود فکر کنند دمکراسی ناقص می ماند. "توکویل" اعتقاد داشت منافع خصوصی و اقتصاد همیشه در کمین منافع عمومی و در تنش با یکدیگر است و این امر سطح سیاست را به حد جدال با منافع خصوصی و مادی کاهش می دهد و این گرایش برای آزادی و دمکراسی خطرناک است.

نتیجه این که مشارکت ۷۰ درصدی آمریکایی ها در انتخابات که طی سالهای گذشته بی مانند بوده است بدون شک تقویت دمکراسی را هدف قرار داده است و این امر به ساختار سیاسی کشور آمریکا و حتی جهان کمک بزرگی خواهد کرد.



هفته نامه
نسیم جنوب
تلفن های تماس:
۳۳۳۲۵۹۰۰
۳۳۳۲۸۱۵۱
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

نسیم جنوب
۳
اجتماعی
شماره ۹۳۲ سه شنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

جان پدر؛ کجاستی؟!

رسول سعادت نیا (دلخون)



مطلع شعرجان تویی، جان پدر؛ کجاستی؟
داغ سترگ کابلم ،جان پدر؛ کجاستی ؟

ای همه عمر من بیا، دخترشعر پارسی
جان جهان من بیا، جان پدر؛ کجاستی؟

شهر غزل سرای تو، نغمه ی جان نوای تو
غمزه بی کرانه ام، جان پدر؛ کجاستی؟

بی تو غمان گرفته راه، درد و بلا، فغان و آه
امان نمی دهد مرا، جان پدر؛ کجاستی؟

چون که تو رفتی از نظر، قافیه را چه سود بود؟!
زخم دلم ردیف شد، جان پدر؛ کجاستی ؟

قافیه، رفته از غزل، بی تو قفس نفس قفس
هُدهُد آشیانه ام، جان پدر؛ کجاستی؟

جرم تو، درس عاشقی، مشق وفا؛ به مدرسه
حمله ی وحشیانه شد، جان پدر؛ کجاستی؟

پنجره ی کلاس تو، مرکز بغض حنجره
پنجه به لاله ها زدند، جان پدر؛ کجاستی؟

جهل و خرافه ی جهان، کی رود از دل زمان!؟
جنگ میان این و آن، جان پدر کجاستی؟

سیل سرشک مردمان در پی پرکشیدنت
شکوه ی هر رسانه شد، جان پدر؛ کجاستی؟

درد نوا به نای را، کس نتواندم نشاند
ای همه شوق زندگی، جان پدر؛ کجاستی؟

غصه ی رفتن تو و، قصه ی آه و آینه
ناله ی هر ترانه شد، جان پدر؛ کجاستی؟

پدر دختر دانشجویی از مجروحان حمله تروریستی دانشگاه کابل پس از ۱۴۲ تماس تلفنی ناموفق به گوشی دخترکش، چون پاسخی نگرفت پیام داد «جان پدر کجاستی؟»

۳ سارق مسلح طلا در استان بوشهر دستگیر شدند

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: با تلاش شبانه روزی ماموران این فرماندهی سه عامل سرقت مسلحانه سه کیلوگرم طلا در محور برازجان – دالکی شناسایی و دستگیر شدند.
به گزارش ایرنا، سردار خلیل واعظی در این ارتباط افزود: در اردیبهشت ماه سال جاری سارقان مسلح در جاده برازجان به دالکی به خودرو طلافروشان حمله و سه کیلوگرم طلا سرقت کردند. با حضور کارشناسان کشف جرم پلیس آگاهی دشتستان مشخص شد سه نفر از خریداران دوره گرد طلا، سه کیلوگرم طلا از بازار بوشهر خرید و در حین انتقال به اصفهان مورد حمله مسلحانه سارقان قرار گرفته اند. سارقان حرفه‌ای که مالباختگان را از بوشهر تعقیب کرده بودند پس از سرقت طلا خودرو مورد استفاده خود را در شهر آبپخش از توابع شهرستان دشتستان آتش زده و متواری شده بودند. در این زمینه تیمی مجرب از کارآگاهان کشف جرم پلیس آگاهی دشتستان با ترسیم سناریوهای متعدد و پیگیری‌های چندجانبه موفق به شناسایی هویت سه نفر از اعضای متواری این باند سرقت شدند که در مخفیگاه زندگی می‌کردند. تمرکز بر شناسایی مخفیگاه متهمان منجر به شناسایی این مخفیگاه شد و با اعزام کارآگاهان دشتستان به شهر شیراز هر سه متهم با همکاری پلیس شیراز در مخفیگاهشان دستگیر و به شهر برازجان مرکز شهرستان دشتستان منتقل شدند.



غوغایی از مرور غم ها و شادی ها

حسین نوری فیروزی



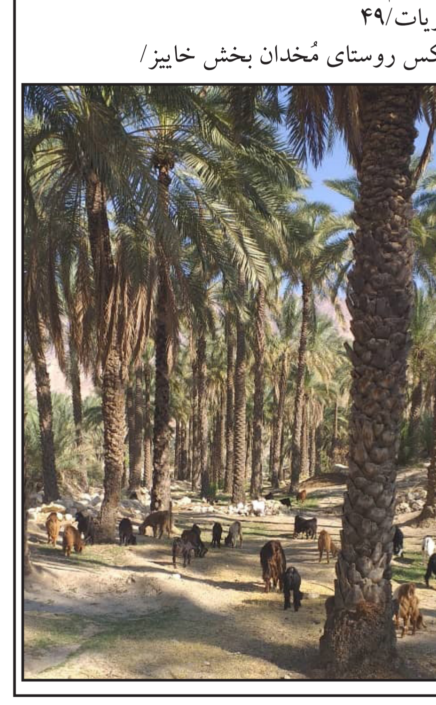
هیاهو؛ شیطنت های کودکی؛ عشق به زندگی و خیلی چیزهای دیگر که در دوران مدرسه با ما بود مانع نمی شد تا ناهنجاری های روزمره زندگی ام را فراموش کنم. وقتی از مدرسه برمی گشتم برای کمک به مادرم که هم خانه دار بود وهم دامدار از هیچ کاری دریغ نمی کردم و شب که پدرم از کار بر می گشت چنان محو چهره درهم شکسته اش می شدم که گاهی در حیرت دیدارش زمان را گم می کردم. غرق عطشهای غریبانه اش می شدم و چون شمعی از درون می سوختم و تمام لذت های روزانه ای را که از مصاحبت همکلاسی هایم در وجودم ذخیره کرده بودم، آب شده و با دانه های عرق از روی پیشانی بر بلندای آبرو گذشته و در مجرای گونه ها به قطرات زلال اشک هایم هماهنگ می شد. آرام از غوغای درون خارج می شدم و به آرمانهای آینده فکر می کردم. بعد از کار در منزل و نشستن پای درس و مشق آن هم کنار چراغی نفتی و خواندن درس و خوردن دوده فتیله چراغ، به سراغ رخت خواب می رفتم. آن جا غوغایی از مرور غمها و شادی ها بود. مثل یک دانش آموز وظیفه شناسی که درسهایش را برای امتحان مرور می کند من هم حرکتهای ثبت شده در مغزم را بازخوانی می کردم تا هیچ گاه ازروزگارم عقب نمانم، شاید آن شبها حافظه مرا برای نوشتن مطالب امروز آماده نگه داشته است. در افکار ثبتی بسترم هیچ گاه اردوی جوانان شیر و خورشیدم در محل باغ نار را فراموش نمی شد.
باغ نار این دشت سرسبز زمستانی کجا واقع شده بود؟ به روایت قدیمی ها این محل وسعتی به مساحت ۱۴۴۰۰۰متر مربع داشت. که غربا به بیسیم، شرقا به باغ زهرا، شمالا به خیابان سامان فعلی و جنوبا به لیل بحرینی محدود می شد. این محل علاوه بر سرسبزی که آن را آذین بخشیده بود، یک باغ خرما با تعداد ۲۳۵ اصله نخل، تعدادی درخت انار و چند درخت لیمو درخود جا داده بود. در این محل یک چاه بنام "بید کوری" بود که افراد محله های همجوار از آب آن برای خوردن و پخت و پز استفاده می کردند. یک قدمگاه بنام "حاجعلی حاجات" وجود داشت که زیارتگاه مردم بود و معمولاصبح روز سیزده بدر محل تجمع اهالی شهر می شد.
بر اساس روایات گویا زمین های باغ نار متعلق به شخصی بنام غلامعلی بوده که از او به فرزندش زار حسین می رسد و پس از او به ۳ نفر از فرزندانش به نامهای کل عبدالرسول، کل غلامحسین و کل عبدالرضا واگذار می شود. در سال ۱۳۰۳ که دولت وقت دستور صدور شناسنامه برای مردم صادر می کند این برادران به ترتیب فامیل های ایزدپناه، حسین زاده و ذوالقدر را برای خود انتخاب می نمایند. حاج عباس محمدیان که از تجار شهر بود یک عمارت آماده از حاج یوسف کلانتری خریداری و به دامادش آقای رفعتی اهدا می کند و یک تکه زمین هم در قسمت جنوب آن که گویا مالک آن از اقلیت ارامنه آن دوران بوده، خریداری و عمارتی را برای فرزندش حاج عبدالحسین محمدیان می سازد.

اگر آواره کوه و بیابان شده ام دنبال دلیلم!

عبدالخالق ماجدی



چند ماه پیش رفتم دفتر پرفسور ایرج نبی پور و به دکتر گفتم که قصد تدوین کتابی پیرامون "جمعیت" ذیل موضوع توسعه دارم. دکترنبی پور خیلی خوشحال شد و با بزرگواری همیشگی، حمایت خودش رو اعلام کرد.
تقریبا تمام کتابهای جمعیت شناسی اساتید ایرانی و خارجی خواندم. تا این که بی ارتباط با موضوع پژوهش و تحقیقم، کتاب"جستاری در خصوص فاهمه بشری" از جان لاک / ترجمه کاوه لاجوردی مطالعه کردم. جان لاک معتقد است که هیچ امر ذهنی و کنش عملی به صورت فطری نداریم! درباره ایده جان لاک با مترجم و تمام ویراستاران کتاب تماس گرفتم و سوالی به ظاهر ساده پرسیدم که: آیا انسان به صورت فطری میل به ازدواج دارد یا نه؟ مگر نه ازدواج حاصل میل فطری انسان به جنس مخالف است؟!
جوابی واضح از دوستان نگرفتم.
با چند پزشک متخصص هم درباره سوالم صحبت کردم. بعد از کتاب جان لاک وارد دنیای "انسان شناسی" شدم.
آقای امیر هاشمی مقدم دانشجوی دکترا انسان شناسی آواره ترم کرد. نوشته بود که در کتب ادیان ابراهیمی ازدواج نکردن حرام نیست!
آثار کلاسیک متخصصان انسان شناسی مثل هنری لوییس مورگان، وستر مارک و مالینوفسکی مطالعه کردم و هنوز هم َادامه دارد. پایه گذار علم انسان شناسی در دو قرن اخیر داروین و موضوع تکامل است. سالیان قبل خیلی رغبتی نسبت به موضوع تکامل به شکل داروینی نداشتم.
به توصیه دکتر سید حسن حسینی استاد فلسفه علم دانشگاه شریف و مدرس دوره های تکامل، مطالعه گسترده ای هم درباره تکامل انسان شروع کردم.
در یک چشم بهم زدنی سر وکارم با آنتونی فلو، ریچارد داوکینز، سم هریس و کریستوفر هیتچنز، چهره های مشهور آتئیسم/خدا ناباور افتاد.
سرگذشت آنتونی فلو بسیار جذاب و چالشی هست! از فلو پرسیدند که چه طور دئیسم شدی؟
پاسخ داد: هرکجا دلیل مرا بَرد من هم می روم!
در دامنه کوه های بیرمی از هادی باغ دار روستای گشی پرسیدم: که فامیلت چیه؟!
گَفت: زنگواری! هادی داستان من و سعید خمیس زنگباری/ تانزانیایی نمی داند...
پرسیدم که چرا گله گوسفندان به سمت ما آمدند؟!
پاسخ داد که گوسفندان می دانند که دور و بر شما چیزی برای خوردن پیدا می شود...
از علی پرسیدم در این ارتفاع کوهستانی و دشت های دشت گور که هفته قبل رفتیم پشه چه کار می کنه؟...
اگر آواره کوه و بیابان شده ام دنبال دلیلم!
به صحرا بنگرم صحرا ته وینم
به دریا بنگرم دریا ته وینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت
نشان روی زیبای ته وینم
"و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید"
ذاریات/۴۹
عکس روستای مُخدان بخش خاییز/



چهره افسردگی در مردان

غزل رامتین فر – روانشناس بالینی

بسیاری از مردان افسردگی رو نشونه ضعف، ناتوانی و شکست می دانند و برخی از آنها علائم این بیماری مثل تمایل به ابراز غم و گریه کردن را ویژگی هایی زنانه قلمداد می کنند و از بازگو کردن این علائم احساس شرم می کنند و در نتیجه نسبت به زنان کمتر جهت درمان اقدام می کنند.
به همین جهت مردان اغلب افسردگی رو به شکل متفاوتی تجربه می کنند، آن ها ممکنه علائم استاندار افسردگی مثل غم، یاس و ناامیدی رو کمتر نشون بدن، در عوض بیشتر تحریک پذیر و پرخاشگر بشن، بیش از حد کار کنند، بیش از حد نرمال الکل و سیگار مصرف کنند و یا در فعالیت های پرخطر درگیر شوند.
درد و غمی که در افسردگی مردان وجود داره و ماهیتش انکار می شود می تواند خودش رو به صورت دردهای جسمانی مثل کمر درد، سردردهای مکرر، مشکلات خواب، فشارخون بالا، مشکلات قلبی، زخم معده، اختلال عملکرد جنسی و یا اختلالات گوارشی نشون بده.
از طرفی، افرادی که علائم افسردگی رو به شکل تحریک پذیری و پرخاشگری شدید نشان می دهند، اغلب حساسیت زیادی به انتقاد پیدا می کنند، میزان خشمشون معمولا متناسب با موضوع مربوطه نیست، تمایل بیشتری به رفتارهای پرخطر مثل رانندگی بی پروا و درگیر شدن در روابط جنسی کنترل نشده دارند.
واقعیت این است که اغلب مردان احساس می کنند اگر بپذیرند افسرده هستند، اُبهت و مردانگی شان رو از دست دادند و ضعیف و شکست خورده هستند.
در فرهنگ مردسالار از مردان انتظار می رود همواره موفق باشند و بر احساساتشون غلبه کنند و بیشتر حمایتگر باشند، این انتظارات فرهنگی باعث شده مردان ترجیح بدن افسردگی رو به شکل خشونت و پرخاشگری نشون بدن چرا که به گمان خودشون خشم و عصبانیت با ویژگی های مردانه بیشتر جور درمیاد و از آن جایی که علائم استاندارد افسردگی رو کمتر نشون می دهند در نتیجه مشکلشون کمتر تشخیص داده می شود و حمایت اجتماعی که در زمان افسردگی بهش نیاز دارند رو هم کمتر دریافت می کنند.



در این مورد اولین قدم برای بهبودی این است که بپذیرید هیچ دلیلی برای احساس شرم وجود ندارد، افسردگی نشانه ضعف عاطفی یا شکست مردانگی نیست.
افسردگی یک بیماری قابل درمان است، باورهاتون در مورد قوی بودن رو تعدیل کنید، انکار و نادیده گرفتن افسردگی نشونه قوی بودن نیست، قدرت واقعی از آن کسانی است که در هنگام نیاز قادرند احساسات ناخوشایندشون رو ببینید به راحتی بگویند حالم خوب نیست و به کمک نیاز دارم.
واقعیت این است که دنیا از پشت عینک افسردگی، بسیار تیره و تار و کسل کننده است، با انکار علائم افسردگی و اهمال کاری در پروسه درمان به مزمن شدن این بیماری و کاهش کیفیت زندگیتون دامن نزنید.

انسان بدون فراغت

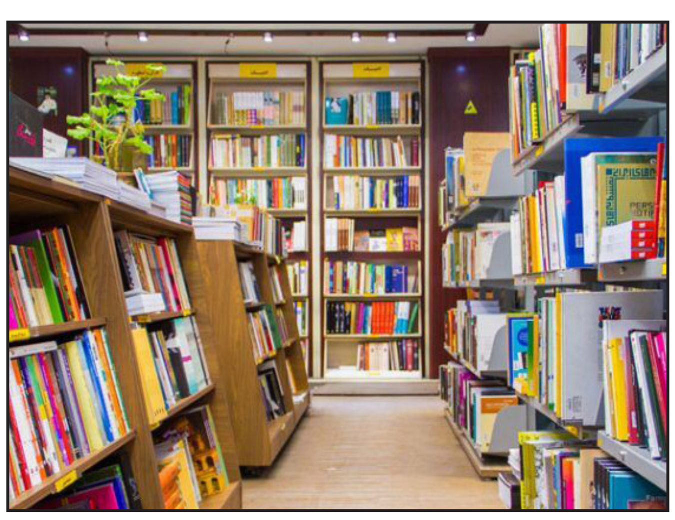
فرهاد قنبری

"امروز مردم دیگر سرکوب نمی‌شوند، سرگرم می‌شوند" (تئودور آدورنو)
افلاطون برای کار یدی (دستی) ارزش و احترام کمی قائل بود اما برای فراغتی که به وسیله شهروندان لایق به خوبی مورد استفاده قرار می گرفت اهمیت زیادی می داد. فراغت مد نظر افلاطون صرف اجرای موسیقی، نمایشنامه، ورزش و تعلیم دادن اصول می شد. از نظر او برای اندیشیدن، تامل و خودسازی و نیل به خوشبختی باید وقت آزاد داشت.
ارسطو فلسفه زندگی را چگونگی کسب سعادت و خوشبختی می دانست. او معتقد بود اعتدال اجتماع در راستای عدالت طبیعی است و خوشبختی امری همیشگی و فراغت مادام العمر است. به عقیده ارسطو کار به معنای کار یدی و فراهم کردن ضروریات زندگی و اوقات فراغت به معنای آن لحظات زندگی بود که در آن انسان درباره حقایق جاودانی تامل کرده و در موسیقی و تئاتر شرکت می کرد. ارسطو تجارت و جنگ را در یکسو و اوقات فراغت و صلح را در سوی



دیگر قرار می داد. او وقت گذرانی را به عنوان فراغت به حساب نمی آورد. در نزد ارسطو فعالیت‌های اوقات فراغت به شدت محدود بود. او تنها موسیقی و تفکر را با ارزش و و در زمره فراغت می شمرد.
"انسان مدرن" را باید انسان بدون "فراغت" نامید. انسان مدرن برای هر کار و کنش و عملی وقت کافی دارد الا برای پرداختن به "فراغت" در مفهموم فلسفی آن.
اوقات "فراغت" در جهان مدرن و امروزی در معنا و مفهومی کاملا متفاوت و متضاد از مفهوم "فراغت" در نزد فیلسوفان بزرگی مانند افلاطون و ارسطو، مورد استفاده قرار می گیرد. امروزه اوقات فراغت به همان اوقاتی که قرار است با بطالت و سرگرمی پر شود، اطلاق می شود. در جهان امروز زندگی انسان به دو بخش کار و سرگرمی تقسیم شده است (دو بخشی که در اندیشه افلاطون و ارسطو ارزش و اعتبار چندانی ندارد) و اصولا زمان و فرصتی برای "فراغت" به مفهوم فلسفی آن وجود ندارد. سوژه جهان مدرن از صبح تا ساعات پایانی روز در کارخانه و کارگاه و اداره و فروشگاه و... مشغول فعالیت یدی و اداری است و شب با جسم و روحی فرسوده و خسته یا در مقابل تلویزیون لم داده و با برنامه های مزخرف و وراجی های شبکه های مختلف تلویزیونی اوقات خود را سپری می کند، مشغول بازیهای کامپیوتری است و یا این که در شبکه های مختلف اجتماعی مشغول تماشای کلیپ های بی معنی و مشمئزکننده شاخ و پلنگ های اینستاگرامی و... است. اغلب این افراد در روزهای تعطیل هفته هم یا در مهمانی های خانوادگی و دوستانه مشغول بازی "مافیا" و امثالهم هستند و یا با تماشای سری چندم فلان سریال هالیودی اوقات خالی خود را پر می نمایند. در این میان آن چه حذف و فراموش می شود اوقات "فراغت" است که در نزد افلاطون به عنوان ارزشمندترین بخش حیات انسان محسوب می شود. اوقاتی که باید صرف تفکر، فهم و شناخت هنر و کسب فضیلت شود.

پاییزه کتاب در بوشهر اجرا می‌شود



مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر گفت: طرح ملی پاییزه کتاب با هدف رونق بخشیدن به بازار کتاب و ترویج فرهنگ مطالعه در ۱۵ کتاب فروشی این استان اجرا می‌شود.
فاطمه کرمپور در گفت و گو با ایرنا بیان کرد: در قالب این طرح، یارانه‌ای از طریق کتابفروشی‌ها به افراد داده می‌شود و هر فرد با ارائه کد ملی می‌تواند از این تسهیلات استفاده کند.
وی افزود: سقف مجاز خرید برای هر کد ملی در پاییزه کتاب نسبت به تابستانه کتاب ۵۰ هزار تومان افزایش یافته است و هر فرد می‌تواند کتاب‌های مورد نیاز خود را تا سقف ۲۰۰ هزار تومان با تخفیف ۲۰ درصد خریداری کند.
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر گفت: طرح پاییزه کتاب از ۲۴ تا ۳۰ آبان‌ماه و همزمان با هفته کتاب در ۱۵ کتابفروشی استان اجرا می‌شود که هشت کتابفروشی در بوشهر و هفت واحد در سایر شهرستان‌ها قرار دارند.
کرمپور عنوان کرد: کتابفروشی‌های غدیر، پرهام، تیرنگ، کافه کتاب، خانه کتاب، پاپیروس، افشین و باران در بوشهر، شهر کتاب باقرپور و خانه کتاب در برازجان، سیتک در عسلویه، نیک در کنگان، دانشجو در جم و مرتضی ملک محمدی و مرکزی گناوه از کتابفروشی‌های عضو پاییزه کتاب در این استان هستند.
وی گفت: در این طرح کتاب‌های عمومی، دانشگاهی و کودک و نوجوان با تخفیف عرضه می‌شود اما کتاب‌های آموزشی، کمک آموزشی و کتاب‌هایی که در بانک اطلاعاتی خانه کتاب و ادبیات ایران ثبت نشده‌اند، مشمول طرح نمی‌شوند.
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر یادآورشد: در طرح تابستانه کتاب ۱۲ کتابفروشی استان بوشهر شامل هفت مورد از مرکز استان و پنج واحد از شهرستان‌ها مشارکت کردند.
کرمپور اعلام کرد: در تابستانه کتاب بیش از پنج هزار و ۵۵۶ جلد کتاب به ارزش ۲میلیارد و ۶۵۰ میلیون ریال فروخته شد.
وی بیان کرد: در این طرح به منظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی در شرایط شیوع و گسترش ویروس کرونا، خریدهای غیرحضوری نیز با ثبت اطلاعات مربوطه در پنل از سوی کتاب‌فروشی‌ها فراهم شده‌است.
موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران به نمایندگی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مبلغ یارانه خرید کتاب را یک ماه پس از اتمام طرح به کتابفروش‌ها پرداخت می‌کند.

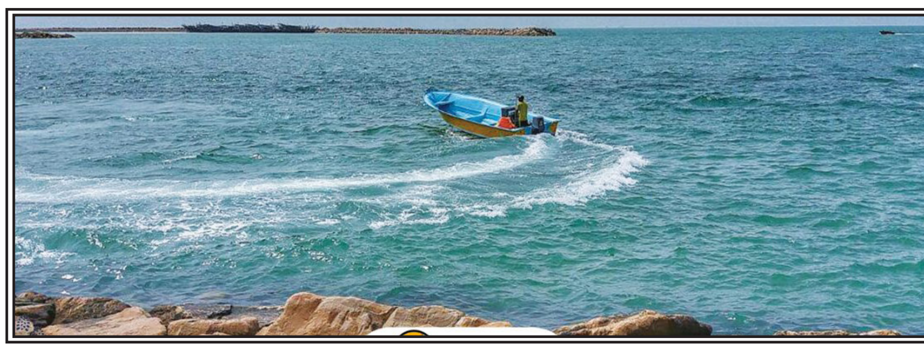
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



کارخانه اپوزیسیون سازی

دکتر سعید معدنی



هفته نامه "کرگدن" پرونده‌ی نسبتاً مفصلی را به "عادل فردوسی‌پور" اختصاص داده است. حدود ۳۰ صفحه از نشریه را به ماجرای نخبه بودن در این جامعه و نخبه‌ی مظلوم پرداخته است و به باور این نشریه، فردوسی‌پور "نخبه مظلوم" است. در این پرونده کسانی مثل سید علی میرفتاح (سردبیر)، رضا امیرخانی، محمدرضازائری، حسین معزی‌نیا، احسان عبدی‌پور، محمد مرزبان، غلامرضا طریقی و مریم تخت‌کشیان خاطرات و یادداشت‌هایی نوشته اند. همچنین با دکتر احسان شریعتی هم درباره "نخبه ستیزی" مصاحبه مفصل و خوبی انجام داده‌اند.

بی شک داستان برخورد ناامید کننده با فردوسی‌پور، بهانه‌ای است تا متوجه شویم با هزاران نخبه علمی، دانشگاهی و هنری و ... از سوی صاحبان ایدئولوژی اندیشه ستیز در این چهل سال چگونه برخورد شده است. داستان هر کدام از این نخبگان یکی از دیگری غم انگیزتر است. فردوسی پور نه یک شخصیت سیاسی است و نه یک منتقد نظام؛ او یک مفسر، منتقد و تحلیلگر فوتبال است که کار خود را خوب بلد است. وی به مدت ۲۰ سال با هوش و پشتکار، یک برنامه‌ی خوب، جذاب و محبوب مردم به نام"نود" را ساخت و ارائه داد که در تاریخ تلویزیون ایران بی سابقه و بی‌نظیر است. اما تازه به دوران رسیده‌هایی از راه رسیدند و مردم را از دیدن این برنامه جذاب دوشنبه شب‌ها محروم کردند. برنامه‌ای که به باور معزی‌نیا ما با برنامه نود "آموختیم چگونه از نگرانی دست برداریم و فاش



کنیم که بی بهانه از چیزی لذت ببریم. فردوسی‌پور خواسته یا ناخواسته به مهمترین سمبول رسانه‌ای مشروعیت یافتن "سرگرمی" تبدیل شد."

سیدعلی میرفتاح سردبیر نشریه در یادداشت خود با عنوان "کارخانه اپوزیسیون سازی"! می گوید: شاید اگر صدا و سیما مانع کار عادل و برنامه‌اش نمی‌شد نیازی به تهیه چنین پرونده‌ای نبود، اما چه کنیم که کار تلویزیون دفع نخبگان است. وی می نویسد "نخبه‌ها عزیزند اما نخبه‌های مغضوب قدرت عزیزتر" وی شاهد مثال را عادل فردوسی‌پور و برنامه نود و یا بایکوت کردن حجت‌الاسلام نقویان و کنار گذاشتن ایشان از برنامه مذهبی "سمت خدا" ذکر می کند.

غلامرضا طریقی سبک و گزارش و شیوه اجرای برنامه‌های ورزشی در ایران را به دو دوره "قبل و بعد عادل فردوسی‌پور" تقسیم می کند. فردوسی پوری که قریب به سه دهه در تلویزیون متمرکز بر ورزش فوتبال بود و متخصص در آن.

رضا امیرخانی هم با بیان یک خاطره می‌نویسد: چند وقت پیش به یکی از مدیران جدید صدا و سیمایی گفتم سال ۷۱ مشغول چه کاری بودی؟! صدایی صاف کرد و گفت ما همیشه در خدمت به نظام مقدس بوده‌ایم و برای بنده جا و جایگاه مهم نبوده است هیچ وقت، و هرجایی که بودم، شیفته خدمت... گفتم داداش! هزار جا عوض کرده‌ای؛ یادت نیست کجا بوده‌ای... عیب ندارد... اما خدا وکیلی سال ۷۱ فکر می کردی بعد ۲۸ سال در تلویزیون کاره‌ای باشی؟ خندید و گفت من تا چند ماه قبلش هم به این موضوع فکر نکرده بودم و اگر لطف مقام منیع ریاست سازمان نبود... گفتم باشد... موضوع چیز دیگری است... تو این مملکت احتمالا فقط یک نفر بوده است که از سال ۷۱ می دانست و می‌خواست یک کار انجام بدهد... همان کار را انجام داد و اتفاقا مثل یک مدل موفقیت رشد کرد و به جایی که می خواست رسید... حالا همان یک نفر را شما - با این سابقه و تخصص- کنار گذاشته‌ای ..."

داستان نخبگان و سرانجام‌شان در تاریخ طولانی این سرزمین غم‌انگیز است. تاریخ ایران بویژه یکصد سال اخیر مملو از نخبه‌کشی است. از فرخی یزدی با لبان دوخته گرفته تا کشته شدگان قتل‌های رنجیره‌ای. اما همیشه فکر می‌کردیم این نخبگان سیاسی و متفکران و نویسندگان منتقد هستند که مورد طرد و ظلم قرار می گیرند، داستان فردوسی‌پور که نه سیاسی است و نه نویسنده‌ی منتقد حکومت، داستان جدیدی است که حاصل تنگ نظری مسئولان صدا و سیماست. نخبه‌ای کار بلد که مورد ظلم واقع شده تا آن جا که یک نشریه فرهنگی، ادبی، برای وی پرونده‌ای تدارک دیده است.

پیشنهاد می‌شود این پرونده و یادداشت‌هایش را در شماره اخیر "هفته نامه کرگدن" (شماره صدوسی‌ودوم - ۲۹ مهر ۹۹) بخوانید.

پایان دیپلماسی قلدرمابانه و تهدید آمیز ترامپ

دکتر عابدین عابدی زاده

۱- در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا، پیش‌بینی کردم که ترامپ بر هیلاری پیروز می‌شود و اتفاق افتاد، در انتخابات ۲۰۲۰، یک روز قبل از شروع انتخابات آمریکا، پیروزی بایدن پیش‌بینی شد و اتفاق افتاد، با شناختی که از ویژگی‌های شخصیتی ترامپ داشتم، منتظر بودم که در انتقال قدرت با پیروزی جو بایدن، شهر گرفتار آشوب خواهد شد که زمزمه‌های آن از ستاد ترامپ شروع شد؛ همچنین پیش‌بینی می کنم سال ۱۴۰۰ سال مذاکره است که این موضوع را باید به زمان سپرد و منتظر ماند؛ حال رییس جمهور هر که باشد.

۲- به شخصه علاقمند به شکست ترامپ در انتخابات آمریکا بودم؛ نه صرفاً به خاطر فشارهای اقتصادی و تحریم‌های شدید علیه ایران؛ چرا که کارزار انتخابات امریکا را از منظر ملی و داخلی نگاه نمی کنم و با دیدگاهی فراملی و جهانی به آن می‌اندیشم؛ دلایلی از جمله؛ رفتارهای غیر مدنی، نگاه تاجر و کاسبکارانه‌ی دونالد ترامپ به جامعه‌ی انسانی در جهان، پایین آوردن شأن گفتگوی دیپلماتیک، خارج شدن از معاهدات مهم بین‌المللی از جمله معاهده پاریس، خروج از یونسکو و بی اعتنایی به فرهنگ، خروج یک‌طرفه از برجام؛ نگاه زن‌ستیزی، قائل نبودن به مبانی علم و دانش، بازتولید پوپولیسم، دروغگویی، بی صداقتی، ترور ژنرال سلیمانی در خاک دیگری که از سوی سازمان ملل غیرقانونی و پرخطر برای صلح جهان و خاورمیانه خوانده شد؛ تفکرات نژادپرستانه و سیاست‌های غیرانسانی نسبت به مهاجران؛ نگاه ناسیونالیست افراطی به آمریکا در برابر جهان «ما اولین هستیم؛ آمریکا اول باشد».

۳- همه‌ی موارد برای فردی که رییس‌جمهور کشوری در سطح آمریکاست می‌تواند برای جهان خطرآفرین باشد و جهان را از شرایطی که اکنون در آن قرار دارد خطرناک‌تر نماید. با آن که جامعه‌ی آمریکا به مانند خیلی از جوامع دیگر در طول این چهار سال، تحولات اجتماعی جدیدی را تجربه کرده که این تغییر و تحول چنانچه از منظر جامعه‌شناختی و روانشناختی اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد الگوهای جدیدی از وضعیت هویتی جامعه‌ی آمریکا به ما نشان خواهد داد، با این‌همه تغییر و تحول در نظام بین‌الملل، ترامپ همواره به دنبال حکومت اقتدارگرایی خود بر جهان بود که این را در برخورد با مسائل مختلفی از جمله دیپلماسی قلدرمآبانه، مذاکره با شیوه‌ی تهدید و تحریم، نوع مصاحبه با خبرنگاران مخالف خود در طول زمان ریاست‌جمهوری؛ عملکرد وی در مواجه با کرونا و عدم توجه به پزشکان در حین درمان بیماری، شیوه ی گفتمان وی در مناظره اول و در آخر مقاومت در پذیرفتن شکست در برابر رقیت خود مشهود بود.

۴- با شکل‌گیری بحران کرونا، جهان آسیب فراوانی در حوزه ی سلامت و اقتصاد به خود دید، اما به نظر کرونا تا اندازه‌ای به کمک بایدن دموکرات آمد تا بخشی از شخصیت پنهان دونالد را آشکارتر نماید و ادامه‌ی کارزار انتخاباتی را برای خود کمی آسان‌تر نماید تا در نهایت بتواند فردی با تفکر ترامپ را از صحنه‌ی سیاستگذاری



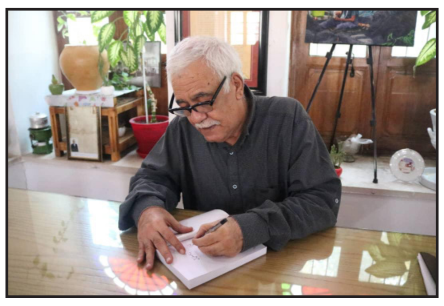


دنیا بیرون براند، هر چند این تفکر راه خود را پیدا کرده و بازتولید خواهد شد؛ شخصیت ترامپ به گونه‌ای نشان می‌داد که پیش‌بینی کنم که او دیگر نمی‌تواند به راحتی رییس‌جمهور آمریکا شود و اکنون باید از کاخ سفید به برج ترامپ که نماد تفکر بورژوازی اوست ترک مسئولیت و شغل نماید؛ این به این معناست که هنوز، حتی یک رای قدرت دارد، قدرتی بالاتر از ثروت و جایگاه ریاست جمهوری ترامپ؛ واگذاری سیاستگذاری به سرمایه‌داری؛ جهان و هر آن چه که در آن است را با هر شیوه‌ای به سوداگری تبدیل می کند.

۵- اما از منظر ملی؛ ایران به لحاظ جغرافیای سیاسی دارای موقعیتی راهبردی در ساختار نظام جهانی است که متأثر از سیاستگذاری و تندروی‌های ترامپ در حوزه روابط بین‌الملل و فراملی قرار گرفت که اقتصاد نیم بند ایران را به شدت دچار مشکلات فراوانی نمود تا آنجا که پول ملی در طول این چند دهه، تا این اندازه ارزش خود را از دست نداده بود، بنابراین نگاه ملی در درون نگاه کلان فراملی قرار می‌گیرد و متأثر از آن خواهد بود؛ هرچند بخشی از ناکارآمدی‌های درون کشور، ریشه در ضعف ساختارها و عاملان داخلی کشور دارد که این مهم خارج از بحث ما می‌باشد.

ماجرای آقای ویلی (قسمت دهم و پایانی)
خاطرات خوب فراموش نشدنی

محمدرضا دباش



رفت و آمد با آقای ویلی همین طور ادامه داشت تا این که کم کم بوی انقلاب به مشام می رسید. با ویلی درمورد انقلاب هم صحبت های زیادی داشتیم و ... . یک شب که از مدرسه به منزل آمدم عیال محترم یک پاکت نامه و یک سوئیچ ماشین به دستم داد، پاکت را باز کردم. مقداری پول و یک نامه در آن بود. این پول کرایه ماشینی بود که دوست انگلیسی آقای ویلی از یک نفر کرایه کرده بود. من هم در جریان این کار بودم. دوست آقای ویلی منزل ما بلد نبود. گویا به اتفاق ویلی به منزل ما آمده بود. به هر حال نامه را باز کردم و خواندم. مضمون این نامه این چنین بود : «با سلام: از محبت های شما متشکریم. دیگر نیازی به ماشین نداریم. برای شما آرزوی موفقیت می کنم. خاطرات خوبی که با شما داشتم فراموش نمی کنم.» رو شویی در هال منزل بود و آینه آن مملو از ترشّحاتی بود که هنگام شستشوی صورتم، لکه های صابون روی آن مچّه (جمع) زده بودند. این قدر ناراحت بودم که حتی رغبت پاک کردن آن لک مک های سفید روی آینه نداشتم . به آینه نگاه کردم و چهره خسته و تقریبا دلخور خودم را دیدم. اما بروی خود نیاوردم. ذرات گچ موهای سرم و ابروها و میرزنگ هایم (مژه ها) آغشته کرده بود. تند تند دست و رویم با آب خالی شستم. روبروی روشویی آشپزخانه ای بود که روی میز آشپزخانه سفره رنگینی چیده شده بود. یک بوقلمون کوچک دو نفره سرخ شده شکم پر، سالاد و سبزی تازه و نان، دو نوشابه قوطی و دریک بشقاب لوزی شکل که برگ های سبز رنگ باریک در اطراف آن نقش بسته بودند، چند عدد شش لیک که همگی با هم لیک لیک می کردند به چشم می خورد!! بله شتر در خواب بیند... .(غلام شکمت صابون نزن.) راستی تا یادم نرفته: در گوشه میز آشپرخانه یک تکه لنگ یزدی قرمز که روی آن چند تکه نان خشک ، به خشکی سنگ های سنگی نمایان بود. تکه نان های خشک به من لبخند می زدند و می گفتند: «عامو انگلیزی، اگر می خواهی بجنگی، بیا بخور نون سنگی!» این نان های خشک یکی از دوستان پدرم از تهران فرستاده بود. نمی دانم شاید نان ها سوغات شمیرانات یا جاهای دیگر بوده. حالا در آن حوالی بیمارستان بزرگی تست به نام نیایش، مثل این که این بیمارستان بی صاحب است که شیخ بزرگوارش مخترع نان خشک است. نامه را برداشتم و به اتاق پذیرایی رفتم و روی مبل گردن کلفتی که مادر به عنوان کادوی منزل به ما داده بود، لم دادم و شروع کردم به دوباره خواندن آن نامه. خواندن نامه برایم دلنشین بود. اما مرا غصّه دار می کرد. به یاد ویلی و آن روزگار سه چهار ساله، چقدرخوش و با ثمر برایم بود. او شریک خوبی بود و سود خوبی هم به من داد. شاید خودش در این تعامل فرهنگی هم سود خوبی نصیبش شده بود. با خواندن نامه خاطرات شیرین در کوچه های کج و معوج ذهنم بیاد می آوردم.

آقای وزیر بهداشت! شما مقصران را به قیمت جان هموطنان تحمل می کنید

حمید آب آذر



اخیرا کلیپی از سخنان بسیار غم انگیز وزیر بهداشت و درمان در فضای مجازی منتشر شده است. خلاصه گفته های وی این است که از مسئولانی گلایه می کند که به وزارت بهداشت کمک نمی کنند. از خستگی و پرستاران می گوید و احتمال می دهد که کادر درمانی از فرط خستگی و نومیدی در خانه بمانند و بر سر کار نیایند.

سخنان دیر موقع، ولی درست و به حقی است. اما نکته این یادداشت متوجه چند جمله آخر وزیر خسته و نومید است.

وی در بخش پایانی این کلیپ می گوید: من وزیر بهداشت به تنهایی نمی توانم قضایا را جمع کنم ایهاالناس بدانید. یک عزمی فراتر از اینها می خواهد و خیلی از قضایا که من الان صلاح نمی بینم که رو کنم ولی اگر قرار باشد یک روز عدم موفقیت در مدیریت اپیدمی را به حساب وزارت بهداشت بنویسند، دهانم باز خواهد شد و خواهم گفت که کی ها قصور کردند...

آقای وزیر! همه حرف های شما درست و مسئولانه است به جز این که به افکار عمومی پاسخ دهید وقتی یک عده ای در کارشان قصور کرده و می کنند و نتیجه این قصور آمار وحشتناک مرگ و میر هزاران هموطن که نسبت به معدل مرگ و میر جهانی چند برابر است، چه صلاحی بالاتر از جان هموطنان است که شما صلاح نمی دانید مقصران را به جامعه معرفی کنید.

آیا به ناحق مقصر دانستن وزارت شما مهمتر است یا جان هزاران انسان که بخواهید تمام حقیقت و دلایل اصلی عدم موفقیت در مبارزه با کرونا را به افکار عمومی اعلام کنید. آقای وزیر شما (نه کادر درمان پزشکان و پرستاران فدا کار)همین الان جز مقصران هستید.

شما هر کاری که نتوانید بکنید، اما می توانید استعفا دهید. شما مقصران را به قیمت جان هموطنان تحمل می کنید. آقای وزیر اتفاقا منطقی این است که مردم شما را مسئول بدانند. شک نکنید گفتن حقیقت فشار افکار عمومی را متوجه مقصورین «عدم موفقیت در مدیریت اپیدمی کرونا» خواهد کرد و موانع از پیش پای شما برداشته خواهد شد. تا بیشتر از این دیر نشده است، برای نجات انسان هایی که هنوز زنده اند اقدام جدی کنید.

جان پدر کجاستی ؟

دکتر حبیب احمدزاده



این را با اندوه تمام مینویسم، برای بیشمار دانشجویان جوانی که در کابل بدست کسانی کشته شدند که روزی برای مبارزه با شوروی از طرف عربستان و امثال دولت آمریکا هیلاری کلینتون نطفه گذاری شدند . کسانی که با تمام ادعای تعصب ، خریت و نافهمی و وحشیگری در مرز های سوریه و اسراییل مستقرند ولی هرگز یک فشنگ هم بطرف نیروهای مرزی اسراییل شلیک نکرده اند .

کارشان شده کشتن بیگناهان چه در کابل ، چه در وین و چه در هرجای جهان که فقط بتوان ان را به مسلمانی نسبتش داد .

وقتی تصویر این دخترک معصوم را دیدم یاد حضورم در حلبچه افتادم و مردمان بی حرکت افتاده برخاک ، آن کودکان و طفلان و مادرانشان و من هشت سال جنگ دیده که حتی تا ساعتها یادم رفت که منطقه الوده است و باید ماسک داشت . نقطه مشابهت هردو جنایت خونسردی عاملان و سکوت و بی ارزش دانستن ماجرا توسط دولتها و رسانه های غربی است . یادم هست که در ماجرای حلبچه تا سه ماه این جنایت حتی با پول عربستان و سکوت شورای امنیت و تبلیغ بسیار شنیع نشریات و رادیو های غربی به ایران نسبت داده می شد تا صدام هرگونه محفوظ بماند

واقعا سازندگان این دراکولاها ، شب ها چه قصه ای برای نوه هایشان از سیاست ورزیشان در خاورمیانه تعریف خواهندکرد.

و برایشان چه زود دیر خواهد شد .

گور پدر انتخابات آمریکا که قرار است انگار فقط بین داعش و طالبان یکی انتخاب شود.

برگزاری جایزه ملی غزل جلال‌پور شاعر فقید گناوه ای



گناوه - ایرنا - حسن فرهادی دبیر دومین دوره جایزه ملی غزل حسین جلال‌پور گفت: دومین دوره جایزه ملی غزل جلال‌پور با محوریت "غزل پیشرو" در سه بخش غزل، کتاب مجموعه غزل چاپ و منتشر شده در یکی از سال‌های ۹۸ یا ۹۹، پژوهش، مقاله و پایان‌نامه در ۱۲ دی ماه امسال برگزار خواهد شد.

وی اظهارکرد: افراد متقاضی باید پنج نسخه از کتاب خود را به دبیرخانه جایزه تا یکشنبه ۳۰ آبان ماه جاری که مهلت پایانی آن است، ارسال کنند.

فرهادی گفت: شاعران، پژوهشگران و ناشران برای ثبت نام در این رویداد ادبی به سایت دومین جایزه ملی غزل حسین جلال‌پور به نشانی www.hjpa.ir مراجعه و آثار و مدارک مورد نیاز را بارگذاری و ارسال کنند.

دبیر دومین جایزه ملی غزل حسین جلال‌پور ادامه داد: برگزیده‌ها در یکم دی‌ماه ۹۹ اعلام خواهند شد. فرهادی اظهارداشت: دبیرخانه دائمی جایزه ملی حسین جلال‌پور به نشانی استان بوشهر، بندر گناوه، صندوق پستی ۷۵۳۱۸۳۵۲ دایر شده‌است و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۰۹۰۲۵۶۷۰۰۷۱ تماس برقرار کنند.

زنده یاد حسین جلال‌پور در سال ۱۳۵۵ در گناوه به دنیا آمد و از شاعران غزل‌سرای جریان موسوم به غزل دهه ۷۰ بود که مجموعه " کلاغ بعد از کلاغ" یکی از کتاب‌های نمونه این جریان به‌شمار می‌رود.

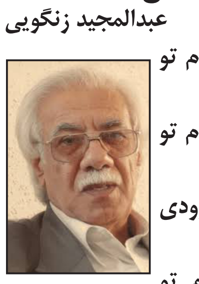
این شاعر فقید در سال‌های اخیر مدرک دکتری ادبیات خود را از دانشگاه چمران اهواز گرفت و سال‌ها به‌عنوان رئیس گروه ادبیات دانشگاه آزاد بهبهان فعالیت داشت.

تصحیح دیوان‌های اشعار محمدخان دشتی و خواجوی کرمانی از دیگر آثار این شاعر فقید است و علاوه بر آن نقدها و مقاله‌های علمی پژوهشی بسیاری از او برجای مانده‌است.

حسین جلال‌پور در دهم فروردین ۱۳۹۸ در سانحه تصادف در محور خورموج ـ بوشهر درگذشت و در قطعه هنرمندان گناوه به خاک سپرده شد.

با شوکت عشق

عبدالمجید زنگویی



ازمن غزلی نیست که بی نام تو باشد
سرزنده و جوشنده و بی جام تو باشد
مجموعه ی شعرم که سرودی ست خوش آهنگ
از قامت و اعجاز و زپیغام تو باشد
شوری که به دنیای کلامم غلیان یافت
ازهی هی مستانه ی ایام تو باشد
آن شعله که زآتشکده ام چهره نما شد
شک نیست که از شوکت و الهام تو باشد
عطری که به شعرم نفسی تازه عطا کرد
از یمن بهارانه ی گلفام تو باشد
آن عشق که جا کرده به اقلیم وجودم
از درس پر از مهر و خوش انجام باشد
روزی اگر از دفتر ایام بگویم
تنها اثر از مکتب و اقدام تو باشد
با شوکت عشق آمده همتای بهاری
این مرحله ازحکمت و از گام تو باشد
پر شور و پر ازعشق سرودم غزلی را
تا راحت جان، رافع آلام تو باشد